

مقدمه

به نام پروردگار هستی‌بخش که همه جهان آفرینش و نظام خلقت در دست تربیت و پرورش اوست و درود و تحیت به فرستاده و سفیر او، اولین انسان کامل خلقت، حضرت محمد بن عبدالله (ص)، که با ارائه دین و دستور زندگی مسیر کمال انسان را عرضه و او را به مطالعه در هستی و قوانین آفرینش دعوت کرد و درود بر جانشینان و حافظان شریعت او، امامان دوازده گانه که هر یک در عصر خود وظیفه نگهبانی از دین او را به وجه احسن انجام دادند و سلام بر صاحب زمان که از دیدگان غایب، اما ناظر بر اعمال همگان است.

در جهان طبیعت ناموس تدریج و قانون تدرج از نوامیس خلقت و قوانین آفرینش است که حاکم بر عالم هستی است و به آن امر تشریح می‌گویند. در برابر امر و اراده تکوینی خداوند همه کمالات از مسیر تدریج پیدا می‌شود و برنامه تکاملی انبیاء و پیامبران نیز از همین سنت تدریج و تدرج تحقق یافته است.

با دقت در تاریخ ادیان و شرایع درمی‌یابیم که قوانین پیامبران بر سنت تدریج پیشرفته و محتوای دینی آنان طبق ظرفیت فکری مردم زمانشان رقم خورده است، آدم و نوح و ابراهیم زمینه‌ساز کاخ دین و موسی بن عمران تکمیل‌کننده آن و عیسی بن مریم رشد مرحله به مرحله و سرانجام محمد بن عبدالله (ص) برنامه جامع و کامل را به تدریج در ظرف ۲۳ سال به جامعه انسانی تقدیم کردند.

انسان از خردسالی تا کهنسالی بسیار متحول می‌شود. در هر دوره‌ای به‌طوری غذا می‌خورد که مناسب مزاج و جهاز هاضمه اوست، تا جنین است در رحم مادر خون می‌خورد، چون زاده می‌شود خون مادر شیر می‌شود و چون از شیر گرفته

می‌شود غذای نرم و لطیف به او داده می‌شود تا دندانها محکم و جهاز هاضمه قوی برای غذاهای پخته یا ناپخته آماده و سلامت دوران زندگی‌اش بیمه شود. دامن پدر و مادر نخستین مدرسه انسان است و نوبت بعد مکتب و معلم. و انسان از هر کدام بر حسب استعداد و ظرفیت وجودی خویش بهره علمی می‌برد، اینها سنن آفرینش و قانون خلقت و طبیعت است و نوامیس فطرت تغییرناپذیر است «فلن تجد لسنة الله تبديلاً و لن تجد لسنة الله تحويلاً» (فاطر، ۴۳).

خانواده بنیان کامل جامعه

علمای علم الاجتماع و جامعه‌شناسان بر این باورند که ملت درست همچون یک فرد است. همه نوامیس فردی در یک جامعه و ملت حکمفرماست. یک ملت همانند یک فرد می‌میرد و زنده می‌شود. هر فردی زمانی، کودک است و زمانی به بلوغ می‌رسد، جامعه نیز چنین است، گاهی دوران کودکی را می‌گذراند و گاهی دوران بلوغ و رشد را، فرد می‌خواهد ملت نیز به خواب می‌رود، مهم‌ترین عامل پیشرفت در جامعه ریشه در فرد و خانواده دارد. نهاد خانواده تشکیل‌دهنده جامعه‌ای بزرگ است، حال آنکه خود، جامعه کوچکی است. اگر نهاد خانواده صالح و سالم نباشد جامعه صالح و سالم نیست. اگر استخر بزرگی را در نظر بگیریم که از جویبارهای کوچکی به وجود آمده و همه جویبارها آب سالم و بهداشتی داشته باشد، طبیعی است که استخر مورد اعتماد همگان خواهد بود و آب آن مایه حیات و زندگی، اما اگر بعضی از جویبارها مسموم باشند و غیر بهداشتی، همه آن استخر را از اعتبار و اعتماد می‌اندازد و دانایان هرچه تشنه باشند به آسانی از آن آب نمی‌نوشند، خانواده نیز چنین برنامه‌ای دارد.

جویبار خانواده‌ها پدیدآورنده استخر عظیم جامعه شهری و روستایی است. مدرسه‌ها، دانشگاهها، کارگاهها و کارخانه‌ها و همه مراکز اجتماعی از خانواده پدید می‌آیند. نهاد خانواده به منزله سرزمینی است که بذر جامعه در آن پاشیده می‌شود اگر سرزمین مستعد و مهیا باشد بذرها پرورش می‌یابند و به کمال می‌رسند اگر

نامساعد باشد، رشد و کمالی وجود ندارد. به قول شاعر:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس
در قران کریم نیز در آیه ۵۸ سوره اعراف، چنین آمده است: «و البلد الطَّيِّبُ
يُخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا»، یعنی: و سرزمین پاکیزه (و شیرین)
گیاه آن به فرمان پروردگارش می روید و زمین بد (و شوره زار) به جز اندک گیاهی
از آن نمی روید.

اگر میلیونها جوان با کمال و لایق جامعه را به سوی تعالی و ترقی پیش
می برند و همچون گلزاری خوشبو فضای زندگی را عطر آگین می کنند، جمعی از
خانواده ها نیز چونان خاری بی ارزش به صورت معتاد و هرزه، باری سنگین بر دوش
اقتصاد و آثار زیانباری بر جامعه تحمیل می کنند، این جمع جامعه را گرفتار و در
سراشیبی سقوط اخلاقی و انسانی قرار می دهند و فکر مسئولان جامعه را به خود
مشغول می کنند تا چاره ای برای آن بیندیشند.

از آنچه تاکنون گفته شد نتیجه می گیریم که برای ساختن جامعه ای سالم و
ایدئال باید خانواده را آن گونه بسازیم که دین مبین اسلام به ما دستور می دهد. در
اسلام برای سعادت دنیا و آخرت انسان برنامه های ارزشمندی ارائه شده است.

در کتاب خانواده، هم بحث حقوق مطرح است و هم بحث اخلاق. افزون بر
اینها فضایل انسانی چون ایثار و از خود گذشتگی، آموزش، تربیت، نظارت و مسئولیت
نیز از امهات مباحث به شمار می آیند و به تعبیری جامع، خانواده محیط انسان سازی
است. لذا باید از تحکم و زورگویی و استبداد رأی و بدآموزی در محیط خانواده
پیشگیری کرد و محیط خانواده را محیط صفا و محبت و مهر و عطوفت و ایثار و از
خود گذشتگی دانست. اسلام نخستین مکتبی است که ریشه سعادت و تکامل، سقوط
و اضمحلال جامعه را در خانواده می داند، از این رو، برای افراد خانواده دستورهای
جالب و جامعی می دهد و مسئولیتهای همه افراد را در حکم وظیفه بیان می کند که
همه آنها را باید در آینه فقه و حقوق پاک اسلامی نگرست و بدانها عمل کرد.
ما به مسائل مهمی چون اصل نکاح و اهمیت آن، تشکیل خانواده و زوجین،

فرزندان، مسائل مالی و اقتصادی خانواده از قبیل مهریه و نفقات و مسائل تربیت و سرپرستی مثل حضانت و احکام اولاد و فرزندان و مسائل اخلاقی خانواده، موضوع لعان و نشوز (عدم تمکین زن) و رعایت حقوق زن و مرد و اقسام طلاق و تفاوت دیدگاهها پرداخته‌ایم.

نگارنده با استقبال از انتقادهای اهل ادب و فرهنگ و دانشجویان گرامی برای همگان آرزوی موفقیت دارد.

قدرت الله مشایخی
عضو هیئت علمی دانشکده الهیات
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه الزهراء